

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهارم، شماره پیاپی ۸۱/۱،  
پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ص ۹۶-۷۵

## بازخوانی نظریه اشتراط تعدد اقرار در اثبات زنا\*

محمد محسنی دهکلانی<sup>۱</sup>

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل

Email: mmdehkalany@yahoo.com

دکتر امان الله علیمرادی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابت

Email: Alimoradi1342@yahoo.com

### چکیده

زنا، تنها به واسطه تعدد و تکرار اقرار (چهاردفعه) اثبات می‌شود و اقرار به کمتر از آن موجب ثبوت حد نیست. این نظریه‌ای است که مشهور فقهای امامیه بدان قائلند. در این میان، ابن ابی عقیل عمانی در برابر جریان مشهور اقرار گرفته و معتقد است این گونه جرائم به وسیله یک اقرار نیز قابل اثبات است.

نویسنده با بازخوانی این مسئله و با تحلیل و ارزیابی مدارک و مستندات هر دو قول، نظریه سوم را اختیار نموده است. نویسنده اجمالاً معتقد است یک اقرار اگر واجد تمام شرایط نفوذ باشد، برای اثبات زنا کافی است. تنها در زناهای موجب رجم به دلیل وجود روایات در این زمینه، اثبات آن محتاج چهار اقرار مستقل است. اصل و صدر این نظریه علاوه بر دارا بودن دلیل خاص، با عمومات و اطلاقات ادله نظیر عموم «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» سازگار است و فقره پایانی آن با «اصل احتیاط در دماء» همخوانی بیشتری دارد.

**کلید واژه‌ها:** زنا، ادله اثبات، اقرار، اشتراط تعدد، رای شاذ.

\* تاریخ وصول: ۱۳۸۶/۷/۲۴؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۴/۵.

۱. نویسنده مسؤول.

شکی نیست که شارع مقدس اقرار را یکی از ادله اثبات کننده، بلکه قویترین آنها دانسته است لکن پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که آیا زنا به واسطه یک اقرار اثبات می‌شود و تنها یک اقرار در اثبات آن کافی خواهد بود؟ و یا اینکه اثبات آن و دیگر جرائم مشابه، نیازمند تعدد و تکرار اقرار است؟ و با این فرض که تکرار اقرار را شرط بدانیم سوال دومی که مطرح می‌شود آن است که حداقل چند اقرار برای اثبات چنین جرائمی لازم است؟

## بیان اقوال

قبل از بررسی ادله موجود به بیان اقوال در این مسئله می‌پردازیم:

الف) فقهای امامیه، در این باره دو قول را برگزیده‌اند که یکی منسوب به مشهور ایشان و دیگری رأی شاذی است که منسوب به ابن ابی عقیل عمانی است.

۱- قول مشهور: مشهور فقهای امامیه معتقدند جرائمی مثل زنا با اقرار کمتر از ۴ بار اثبات نمی‌شوند. ذیلاً به کلام برخی از ایشان اشاره می‌کنیم: شیخ مفید در المقنعه می‌نویسد: «اذا اقر الانسان علی نفسه بالزنا اربع مرات علی اختیار منه للاقرار و جب علیه الحد و ان اقر مرة أو مرتین أو ثلاثاً لم یجب علیه الحد بهذا الاقرار» (۷۷۵) شیخ مفید در این عبارت به صراحت معتقد است جرائم جنسی موجب حد، تنها با ۴ اقرار اثبات می‌شوند و حتی تصریح می‌کند اقرار به کمتر از آن مثبت حد نیست. البته مسلم است که ذکر جرم زنا در کلام مفید و دیگر فقها موضوعیتی ندارد و تمام جرائم جنسی موجب حد از این حیث، واجد حکم یکسانی هستند.

سلار در المراسم می‌نویسد «و کل حدود الزنا- علی اختلافها- لا تثبت الا ... الاقرار اربع مرات» (۲۵۴) «علی اختلافها» در کلام وی اشاره به این نکته است که همه اقسام زنا از حیث نوع حد (رجم، جلدو...) از جهت چگونگی اثبات، فرقی میانشان نیست.

قاضی ابن براج نیز معتقد است « فاما الاقرار فهو اقرار الانسان الكامل العقل المختار على نفسه اربع مرات... فان أقر أقل من اربع مرات لم يحكم عليه بالزنا » (۵۲۴/۲). همو در جایی دیگر مجدداً تأکید می‌کند: « فاقرار المرثه على نفسها اربع مرات بذلك كما سلف ذكره في الزنا » (همان، ۵۳۲).

صاحب مبسوط و نهاییه نیز می‌نویسد: « لا يثبت حد الزنا إلا بالاقرار اربع مرات من الزانی » (المبسوط، ۴/۸). از میان متاخرین نیز علامه همچون سایرین معتقد است: « المشهور عند علمائنا انه لا يقبل الاقرار بالزنا الا اربع مرات ذهب اليه الشيخان و ابن جنيد و غير هم ... » (مختلف الشيعه، ۱۶۵/۹) همانطور که از کلام علامه بر می‌آید قول به اشتراط تعدد اقرار، مختار مشهور امامیه است.

شهید ثانی در مسالک همین قول را برمی‌گزیند و تصریح می‌کند «اتفق الاصحاب الا من شد على ان الزنا لا يثبت على المقربه على وجه يثبت به الحد الا ان يُقرَّبَه اربع مرات» (۳۴۱/۱۴) شهید ثانی این قول را مشهور قریب به اجماع می‌داند.

ابن ادریس در سرائر (۴۶۸/۳) محقق در شرایع (۹۳۶/۴) و مختصر النافع (۲۱۴) فاضل آبی (۵۴۳/۲) علامه در آثار خود (قواعد الاحکام، ۵۲۲/۳، ارشاد الاذهان، ۱۷۱/۲، تحریر الاحکام، ۲۲۱/۲) و دیگران (شهید ثانی، شرح لمعه، ۳۳/۹- مقدس اردبیلی، ۲۳/۱۳، طباطبایی، ۴۶۲/۲، خوانساری، ۱۶/۷) نیز با عباراتی قریب به یکدیگر همین قول را اختیار نموده‌اند.

شهرت این قول به حدی است که صاحب جواهر آن را بلاخلاف یافته است. وی می‌نویسد: « و تکرار الاقرار اربعاً فی اربعه مجالس بلا خلاف معتد به اجده فی الاول عندنا » (۲۸۰/۴۱) و حتی فاضل هندی ادعای اجماع بر آن می‌کند «الاول الاقرار ... و تکراره اربع مرات للأصل و النصوص و الاجماع .... » (۳۹۴/۲) لکن نزدیکتر به واقع همان است که علامه در مختلف و شهید ثانی در مسالک فرموده‌اند و قول مذکور دارای شهرت عظیمه (خویی، ۱۷۵/۱) است و اجماع مورد ادعا مخالف دارد.

۲- قول نادر: در این میان تنها ابن ابی عقیل عمانی از قدمای امامیه، در مقابل جریان مشهور قرار دارد. علامه حلی در مقام نقل کلام ایشان در کتاب *مختلف الشیعه* می‌نویسد: «قال ابن ابی عقیل: اذا اقر الرجل أو المرأة بالزنا ثم جحدنا جلدًا و قد قیل اذا اقر المحصن بالزنا رد اربع مرات ثم رجم و هذا يعطى قبول المرة الواحدة (۱۶۵/۹) از آنجا که از کتب فقهی قدیمین چیزی در دست نیست به ناچار براساس نقل دیگران باید به قضاوت و داوری سخن ایشان نشست. طبق نقل علامه از کلام ابن ابی عقیل دو احتمال در مورد کلام ایشان به ذهن می‌رسد.

### احتمالات کلام ابن ابی عقیل

احتمال اول اینکه عبارت «و قد قیل» ادامه نقل سخن ابن ابی عقیل باشد. در این صورت نظر ابن ابی عقیل این است که زنا به واسطه یک اقرار ثابت می‌شود بجز زناى محصن که اثبات آن ۴ اقرار است. مؤید این احتمال آن است که در این مسئله قائل سومی نمی‌شناسیم تا قول قیل را به وی نسبت دهیم.

اما اشکالاتی به این احتمال وارد است که از آن جمله ناسازگاری با ظاهر کلام علامه است، چرا که ظاهراً «قیل» قولی مستقل از عبارت قبلی است. ثانیاً: همه بزرگانی که در این مسئله متعرض کلام ابن ابی عقیل شده‌اند «قول به اعتبار اقرار واحد را در مطلق زنا» به وی نسبت می‌دهند و قائل به تفصیل در نقل کلام ایشان نشده‌اند.

مثلاً شهید ثانی در مسالک می‌نویسد: «یظهر من ابن ابی عقیل الاکتفاء بمرة» (۳۴۱/۱۴) و صاحب ریاض نیز چنین می‌گوید: «تکرار الاقرار اربعاً..... لا خلاف فیه..... الا من ظاهر العماني فاكتفى بالواحد» (طباطبایی، ۴۶۲/۲). صاحب جواهر هم در مقام تضعیف قول ابن ابی عقیل می‌گوید: «نعم عن اکثر العامه الاکتفاء بالمرة و نسب الی ظاهر ابن ابی عقیل منا و لا ریب فی ضعفه» (۲۸۰/۴۱).

از ظاهر تمام عبارات مذکور معلوم می‌شود که قول به اعتبار اقرار واحد در

مطلق جرائم جنسی موجب حد، مختار ابن ابی عقیل عمانی در آثارش می‌باشد. احتمال دوم: با این توضیح به نظر می‌رسد احتمال دوم کلام ابن ابی عقیل احتمال ارجح باشد و آن این که وی اقرار واحد را در اثبات مطلق این‌گونه جرائم کافی می‌داند. در این صورت در توجیه کلام علامه باید گفت قول ابن ابی عقیل همان صدر کلام علامه است لکن (وقد قیل) اشاره به روایتی است که دلالت دارد بر عدم اثبات زناى محصن مگر با ۴ اقرار. با این توجیه در واقع (قیل) قول نیست بلکه وجهی است که روایت دال بر آن است (ما متن روایت را تحت عنوان صحیحه فضیل بعداً نقل خواهیم نمود). این احتمال با ذیل کلام علامه نیز تناسب بیشتری دارد آنجا که می‌نویسد: «هذا يعطى قبول المرة الواحدة» (مختلف الشیعه، ۱۶۵/۹).

#### ب) فقهای اهل سنت

اختلاف بیان شده در عبارات فقهای امامیه، عیناً در میان فقیهان عامه نیز وجود دارد البته با این تفاوت که (اکتفا به اقرار واحد) بر خلاف شیعه، قول اکثر عامه است (المزنی، ۲۶۱، ۲۰۶/۱۳، ۱۹۶/۲، ۲۸۶، ابن رشد، ۲/۴۳۸). در مقابل نیز برخی از ایشان مطابق با مشهور امامیه چهار اقرار مجزا را در اثبات جرائم جنسی موجب حد، لازم می‌دانند (السرخسی، ۹۱/۹، ۱۶۶/۳، الکاشانی الحنفی، ۵۰/۷، ابن قدامه، ۱۶۰/۱۰). در اینجا به همین مقدار از نقل اقوال بسنده می‌کنیم و به ارزیابی ادله دو قول می‌پردازیم.

#### مفاد ادله

##### مقتضای قاعده باب

قبل از پرداختن به ادله هر یک از دو قول مشهور و شاذ، شایسته است به تاسیس اصل پردازیم تا مرجع ما در موارد شک قرار گیرد. شاید در مقام ارائه اصل بتوان ادعا نمود که سیره عقلا بر قبول مطلق اقرار واجد همه شرایط اعتبار مبتنی است.

نتیجه این که انسان در مقام ترتب آثار بر اقرار مقرر، نیازی به تکرار اقرار از سوی وی نمی بیند و چه بسا با همان اقرار اول به صحت گفته وی اطمینان حاصل کند.

اقرار از این جهت با بینه متفاوت است، چرا که با شهادت یک، دو، سه و حتی چهار شاهد نیز بعضاً برای انسان قطع به صحت شهادت حاصل نمی شود. اما اقرار به دنبال خود، مال، جاه و مقامی برای مقرر نمی آورد بلکه وی با اقرار موجب جلد و حتی رجم خود می شود و خودش را آماده اجرای حد می نماید. مقرر با اقرار خود درخواست و حتی التماس می کند تا برای تطهیر شدن، حد بر وی اقامه شود چرا که معتقد است عذاب دنیا راحت تر از عذاب آخرت است. بنابراین اقرار موجب حصول اطمینان به صحت قول مقرر برای انسان می شود و لو این که یک بار باشد، زیرا اقرار مقرر علتی جز صدق وی و انگیزه ای جز ترس از عذاب الهی ندارد و وی به دنبال تطهیر خود از تبعات عملی است که مرتکب شده است. لذا شاید بتوان گفت: ورای ادله وارد در موضوع، مقتضای قواعد ادله، اکتفا به اقرار واحد در اثبات جرائم می باشد چرا که اصل عدم اشتراط زیادت است و عمومات و اطلاقات ادله نظیر عموم (اقرار العقلاء علی النفسهم جایز) نیز با آن سازگار است. ممکن است اشکال شود که برای نظریه تعدد اقرار هم می توان حکمت هایی مانند: بنای شارع در مکتوم ماندن جرائم جنسی، سعی در امحاء جرائم با توبه، باز دارندگی درونی،... برشمرد. در مقام پاسخ می توان گفت: نگارنده در مقام شمارش و استقصای حکمت های کفایت یک اقرار نیست، بلکه اهتمام بر تاسیس اصل است و بیان حکمت های مذکور در راستای اصل عدم اشتراط تعدد است، نه نفی چنین حکمت هایی برای قول مقابل.

### مقتضای أدله

ابتدا مدارک و مستندات قول مشهور را بررسی می کنیم و در ادامه به سنجش مدارک قول نادر می پردازیم.

**الف) ادله قول مشهور**

مشهور فقها برای صحت مدعی خود به ادله مختلفی تمسک نموده‌اند که از لا بلای کتب فقهی قابل دستیابی است، ادله‌ای نظیر:

**۱- اخبار**

روایت اول) روایتی است از صدوق به سندی معتبر از سعد بن طریف از اصبع بن نباته: «قال أت امرأة مجح امیر المومنین فقالت یا امیر المؤمنین (ع) انی زینت فطهرنی طهرک الله فان عذاب الدنیا ایسر من عذاب الاخره الذی لا ینقطع، فقال لها مم اطهرک؟ قالت من الزنا فقال لها: فذات بعل أنت أم غیر ذات بعل؟ فقالت ذات بعل - الی ان قال - فلما ولت عنه المراه من حیث لا تسمع کلامه قال اللهم هذه شهادة، فلم تلبث ان أتنه فقالت انی وضعت فطهرنی فتجاهل علیها و قال اطهرک یا أمه الله مماذا؟ قالت انی زینت - الی ان قال - فلما ولت حیث لا تسمع کلامه قال اللهم انهما شهادتان، فلما أرضعته عادت الیه فقالت یا امیر المؤمنین انی زینت فطهرنی قال لها: و ذات بعل اذ فعلت ما فعلت أم غیر ذات بعل؟ قالت: بل ذات بعل. قال و کان زوجک حاضراً أم غائباً؟ قالت بل حاضراً قال اذهبی فاکفلیه - الی ان قال - فانصرفت و هی تبکی فلما ولت حیث لا تسمع کلامه قال اللهم هذه ثلاث شهادات - الی ان قال فرجعت فاخبرت أمیر المومنین بقول عمرو فقال امیر المومنین: و لما یکفل عمرو ولدک قالت: یا امیر المومنین انی زینت فطهرنی - الی ان قال - فرفع امیر المومنین رأسه الی السماء و قال اللهم انه قد اثبت ذلك علیها اربع شهادات» ..... الحدیث (حرعاملی، ج ۱۸ باب ۱۶ از ابواب حد زنا ح ۱).

روایت مطابق با متن الفقیه است. صاحب وسایل خیر مزبور را به قضاوت‌های امیر المؤمنین نسبت داده است و به نظر می‌رسد وی دچار سهو القلم شده است (خویی، ۱۷۴/۱).

روایت دوم) روایتی است از جمیل بن دراج از برخی اصحاب از یکی از

صادقین علیهما السلام: «فی رجل اقر علی نفسه بالزنا اربع مرات و هو محصن رجم الی ان یموت أو یکذب نفسه قبل ان یرجم فیکول لم افعل فان قال ذلك ترک ولم یرجم - الی ان قال - لا یرجم الزانی حتی یقر اربع مرات بالزنا اذا لم یکن شهود فان رجع ترک و لم یرجم (حرعاملی، ج ۱۸ باب ۱۶ از ابواب حد زنا ح ۲) این روایت نیز دلالت دارد بر این که برای اثبات زناى موجب رجم نیازمند به چهار اقرار مستقل هستیم.

روایت سوم ( خیری است از علی ابن ابراهیم از احمد بن محمد که آن را مرفوعاً به امیر المومنین رسانید راوی می گوید: اتاه رجل بالكوفه فقال یا امیر المؤمنین انی زنیت فطهرنی قال ممن أنت؟ قال من مزینه. قال اتقرء من القرآن شیئاً؟ قال بلی قال فاقراً فقراً فاجاد فقال ابک جنه؟ قال لا قال فاذهب عنی حتی نسال عنک فذهب الرجل ثم رجع الیه بعد فقال: یا امیر المؤمنین انی زنیت فطهرنی قال الک زوجہ؟ قال بلی قال فمقیمه معک فی البلد؟ قال نعم فامرہ امیر المؤمنین فذهب و قال حتی نسال عنک فبعث الی قومه فسال عن خبره فقالوا یا امیر المؤمنین صحیح العقل فرجع الیه الثالثه فقال: مثل مقالته فقال اذهب حتی نسال عنک فرجع الیه الرابعه فلما اقر قال امیر المؤمنین لقبیر: احتفظ به ثم غضب..... الحدیث در ادامه روایت آمده که وی را رجم نمود (همان، ح ۳).

روایت چهارم ( روایتی است از ابن ابی عمیر از جمیل از امام صادق (ع) که فرمود: «لا یقطع السارق حتی یقر بالسرقة مرتین و لا یرجم الزانی حتی یقر بالزنا اربع مرات» (همان، ح ۴)

روایت پنجم ( خبری است از ابی مریم از امام باقر (ع) که فرمود: اتت امرأه امیر المؤمنین فقالت: انی قد فجرت فا عرض بوجهه عنها فتحولت حتی استقبلت وجهه فقالت انی قد فجرت فا عرض عنها ثم استقبله فقالت انی قد فجرت فا عرض عنها ثم استقبله فقالت انی فجرت فاصرت بها فحبست و کانت حاملاً فتربص بها حتی وضعت ثم امر بها بعد ذلك فحفر لها حفیره فی الرحبه و خاط علیها ثوبا جدیدا و ادخلها الحفیره



الی الحقو و موضع التذیین و اغلق باب الرحبه و رماها بحجر الحدیث (همان، ح ۵).  
از طرق عامه نیز اخباری در خصوص اشتراط تعدد اقرار موجود است که در  
ادامه یکی از آن اخبار را ذکر می‌کنیم

روایت ششم ( خبری است معروف به حدیث ماعز که ابن مسیب و ابی سلمه  
از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفته است: «اتی رسول الله (ص) رجل من الناس و هو فی  
المسجد فناده یا رسول الله انی زینت یرید نفسه فاعرض عنه النبى (ص) فتنحى لشق  
وجهه الذى اعرض قبله فقال یا رسول الله انی زینت فاعرض عنه فجاء لشق وجه النبى  
(ص) الذى أعرض عنه فلما شهد على نفسه اربع شهادات دعاه النبى فقال: ابک جنون؟  
فقال: لا یا رسول الله فقال: احصنت؟ قال نعم یا رسول الله قال: اذهبوا فارجموه»  
(البیهقی، ۲۲۵/۸). در برخی از الفاظ حدیث آمده است: «شهدت على نفسک اربع  
شهادات اذهبوا به فارجموه» (السجستانی، ۱۴۷/۴). و در روایت دیگری این‌گونه آمده  
است: «انه لما اعترف ثلاث مرات قال له: ان اعترفت الرابعه رجمتک فاعترف الرابعه».  
آن‌چه که تمام روایات مذکور به صراحت بر آن دلالت دارند این است که چه در عصر  
پیامبر و چه در دوره ائمه دیگر، اجرای حد زنا منوط به اقرار چهارم مقرر شده است و از  
این جهت فرقی میان اخبار منقول از طریق عامه با روایات منقول از طرق خاصه نیست.

لکن اشکالاتی ذیل تمام این اخبار مطرح است، از آن جمله :

اشکال اول) اشکال شده است که پذیرش مکرر اقرار از سوی پیامبر و ائمه دیگر  
به خاطر تردیدی است که وجود دارد. چرا که ممکن است مقرر در لحظه اقرار و یا در  
وقت ارتکاب معصیت دیوانه، مست و..... بوده باشد. لذا تأکید ایشان برای اخذ  
اقرارهای متعدد جهت رفع هر گونه شبهه از این جهت است (استنبات) (شهید ثانی،  
مسالک الافهام، ۳۴۲/۱۴).

جواب اشکال: در جواب این اشکال گفته شده است: استنبات (رفع تردید) اقرار  
را مقید به عدد چهار نمی‌کند چرا که ممکن است نسبت به فردی حتی بعد از اقرار

نخست به صحت گفته وی (تثبیت) اطمینان حاصل شود. اما اینکه تمام معصومین در مقام اخذ اقرار و در حالت بحث و سؤال از مقرر اصرار به تکمیل اقرار چهارم داشته‌اند این نکته را می‌رساند که عدد در این گونه اقرار موضوعیت دارد.

اشکال دوم) اشکال مهمی که بر این روایات وارد است این است که اخبار تنها متعرض قسم رجم آن شده‌اند و در آن ذکری از جلد به میان نیامده است، یعنی امام در مقام احراز استحقاق حد رجم اقدام به اخذ چهار اقرار از مقرر نموده است و حال آن که مدعای قول مشهور اشتراط تعدد اقرار در مطلق زناست. آنچه اشکال فوق را تقویت می‌کند این است که در روایتی مثل خبر جمیل (روایت چهارم) تصریح شده است که اثبات جرم سرقت نیازمند ۲ اقرار و اثبات مجازات رجم محتاج ۴ اقرار است. اگر جلد نیز به مانند رجم تنها به واسطه ۴ اقرار اثبات می‌شود ذکر آن لازم می‌بود.

جواب اشکال: برخی از فقها در مقام رفع اشکال برآمده گفته‌اند: اگرچه مورد همه روایات رجم است لکن حکم جلد از دو طریق قابل استفاده است

۱- تنزیل اقرار به شهادت: در برخی از روایات مذکور (مثل خبر اول) امام تصریح می‌نماید اقرار به منزله شهادت است لذا همان‌طور که زنا جز با چهار شهادت قابل اثبات نیست اقرار به کمتر از چهار دفعه نیز مؤثر نخواهد بود.

۲- اگر جلد بایک اقرار قابل اثبات بود دیگر دلیلی برای تأخیر حد بعد از اقرار اول باقی نمی‌ماند و امام منتظر تکمیل عدد اقرار باقی نمی‌ماند و حال آن که همه اخبار حاکی از آنند که تا زمانی که مقرر خود اقدام به تکمیل تعداد اقادیر نمی‌کرد ایشان اقدام به اجرای حد نمی‌نمودند و این به معنای تأخیر حد از وقت شرعی ثبوت نیست بلکه دلیلی است بر این مطلب که شرط ثبوت حد در جرم زنا صدور چهارمین اقرار خواهد بود (خویی، ۱/۱۷۵).

اشکال بر جواب اشکال: به نظر می‌رسد توجیهاات گفته شده تام نبوده و اشکال مذکور به قدرت خود باقی است چرا که در پاسخ توجیه نخست می‌گوییم، اولاً تنزیل

مذکور صرفاً در روایات رجم است که امام ذیل اقرار اول فرموده است (فذات بعل فقلت ذات بعل) یعنی اقرار موجب رجم به مانند شهادت است. همانطور که در شهادت موجب رجم تعدد و تکرار لازم است در اقرار موجب رجم نیز این چنین است و حال آنکه محل بحث مطلق اقرار است نه اقرار موجب رجم ثانیاً مجرد اطلاق شهادت بر اقرار موجب اتحاد حکم اقرار و شهادت نمی‌شود تا این که بگوییم همان‌طور که در شهادت بر زنا ۴ بینه برای اثبات لازم است پس در اقرار بر زنا نیز عدد خاص معتبر می‌باشد چرا که فرق میان اقرار و شهادت از جهات مختلف معلوم است، مثلاً حاکم در عفو مجرم تائبی که بعد از اقرار توبه نمود مخیر است، لکن اگر جرم همان مجرم به واسطه بینه ثابت شود عفو وی جایز نخواهد بود.

در رد توجیه دوم نیز می‌توان گفت محصن و محصنه حد شان رجم است و نه جلد، رجم متفرع بر ۴ اقرار است و حال آن‌که لزوم تأخیر حد تنها در حد جلد است مضافاً به این که احتمال حمل ممکن است موجب تأخیر حد شود تا احياناً موجب قتل احتمالی حمل نشود (خوانساری، ۱۷/۷).

از این روی سؤالی که ذهن را به خود مشغول می‌کند این نکته است که چگونه فقها در مطلق حد زنا اعم از رجمی و جلدی حکم به اعتبار چهار اقرار نموده‌اند؟ آیا خبری در این مورد غیر از اخبار مذکور وجود دارد که نگارنده بر آن اطلاع نیافته است؟ ظاهراً پاسخ منفی است چرا که صاحب این قلم با بررسی آثار قدماء و متأخرین و حتی معاصرین به دلیلی از غیر از اخبار مذکور دست نیافته است.

- آیا اجماعی مبنی بر عدم فرق میان رجم و جلد در این مورد وجود دارد؟

- آیا به واسطه تنقیح مناط حکم جلد را ملحق به رجم نموده‌اند؟

## ۲- اجماع

شیخ در کتاب خلاف ذیل مسئله محل بحث می‌نویسد: «دلیلنا اجماع الفرقه واخبار هم و ایضا الاصل برائة الذمه و اذا اقر اربع مرات علی بیناه لزمه الحد بلاخلاف

و لا دلیل علی استحقاقه باقرار مره واحده (۱۴۰۷/۵).

لکن این اجماع هم از جهت صغروی و هم به لحاظ کبرای خود قابل مناقشه است، چرا که همان‌طور که اذعان شد مسئله محل اختلاف است مگر اینکه خروج فرد معلوم النسب را مضر و منخل به تحقق اجماع ندانیم. اگر چه مدرکی بودن آن نیز موجب طرح و ورود اشکال دیگری بر آن است.

اگر پاسخ داده شود که اخبار وارده در مورد زنای محصنه است و اجماع فقهاء مبنی بر تعدد اقرار در غیر محصنه است لذا مدرکی نیست. می‌گوییم: این اجماع به حسب مبنای مجمعی مدرکی است چون ایشان به این اخبار استناد کرده و پس از آن ادعای اجماع کرده‌اند. دست کم محتمل‌المدرکی بودن آن قابل انکار نمی‌باشد.

### ۳- تنقیح مناط

از جمله ادله ای که شانیت آن را دارد که مورد استفاده مشهور فقها قرار گیرد تنقیح مناط است. بدین صورت که ادعا شود حکم اشتراط تعدد اقرار در زنای غیرموجب رجم (اعم از جلد و قتل) را از طریق تنقیح مناط روایات وارد در باب زنای موجب رجم به دست می‌آوریم. لکن بی‌تردید می‌توان پاسخ گفت: اولاً ممکن است حکم شارع به اشتراط تعدد اقرار به واسطه لحاظ خصوصیتی در رجم می‌باشد که این خصوصیت در غیر رجم اعم از جلد و حتی قتل وجود ندارد به عبارت دیگر در این مورد تنقیح مناط، ظنی و مبنی بر الغای خصوصیت احتمالی است حال آنکه نزد اصولیون تنقیح مناط قطعی معتبر است. ثانیاً در مورد جلد می‌توان مدعی این شد که اصولاً مجرای تنقیح مناط نیست چرا که رجم اشد از جلد است، چون با رجم از هاق نفس رخ می‌دهد و حال آنکه جلد مجرد تعذیب است و فرد خاطی بعد از آن به زندگی خودش ادامه می‌دهد لذا هیچ شباهتی میان رجم و جلد نیست و شایسته نیست که ملتزم شویم هر آنچه که در تحقق امر اشد و اشد شرط است و معتبر می‌باشد در امر اسهل نیز شرط باشد و لحاظ گردد.

## ۴- اصل برائت ذمه

شیخ در فقره پایانی ادله، اصل برائت ذمه از حدود را دلیل بر شرطیت تعدد اقرار دانسته است لکن باید گفت این سخن زمانی درست است که در مقام شک، عامی که بدان رجوع شود وجود نداشته باشد و الاً در صورت وجود چنین عامی شک ما در حقیقت، شک در تخصیص و عدم تخصیص است و مرجع رفع شک همان عام مفروض است و نه اصل برائت چرا که «الأصل (برائت) دلیل حیث لا دلیل» و در فرض وجود عام، وجود دلیل مسلم است. در ما نحن فیه حدیث نبوی «اقرار العقلاء علی نفسهم جایز» و دیگر اخبار (حرعاملی، ۱۶) عامی است که ظهور در عموم دارند. بله ما هم قبول داریم در اقرار زانی محصن، به مقتضی روایات مذکور این عام تخصیص خورده از آن خارج می شویم و حکم به عدم اعتبار اقرار به کمتر از ۴ بار در باب رجم می دهیم و فی الجمله این عام به واسطه وجود خاص تخصیص می خورد اما در مورد جلد دلیلی بر استثنای آن از عام نداریم لذا در صورت شک در تخصیص مرجع، همان عام قبلی است که مقتضای آن حجیت و اعتبار یک اقرار تنهاست و این به خاطر وجود دلیل لفظی است که مقدم بر اصل عملی می باشد. به عبارت دیگر مسئله از قبیل شبهه مفهومیه دائر میان اقل و اکثر است، زیرا امر دائر است میان این که مطلق زانی استثنای شده یا خصوص زانی محصن. در این مورد اقل متیقن و نسبت به اکثر، عموم عام جاری است (آخوند خراسانی، ۲۲۱/۱).

البته ممکن است اشکال شود جمله مذکور عام شرعی و دلیل لفظی نیست تا بدان تمسک شود بلکه این عبارت اصطیاد فقهاست (گلپایگانی، ۱۳۱/۱). به بیان دیگر عبارت «اقرار العقلاء علی نفسهم» تنها در کتاب عوالی اللئالی به عنوان حدیث نبوی ذکر شده و با ثابت نشدن این امر، نمی توان به عنوان یک دلیل لفظی به آن تمسک کرد. لکن به نظر می رسد این گفته که این عبارت اصطیاد فقهاست، درست نباشد. زیرا اولاً ظاهر عبارت خلاف آن را ثابت می کند (گلپایگانی، همان). ثانیاً تعبیر صاحب وسائل قبل

از نقل حدیث در باره این خبر چنین است «روی جماعه من العلماء» (حرعاملی، ۱۱۱/۱۶). به نظر می‌رسد این عبارت حاکی از روایت بودن آن است. ثالثاً بسیاری از فقهاء با اطمینان به صدور و تعبیر به حدیث نبوی بودن آن، حتی ادعای تواتر و استفاضه آن را نموده‌اند (نجفی، ۳/۳۵). و برخی دیگر به استناد اتفاق فریقین بر نقل این حدیث ادعای تواتر را بعید ندانسته‌اند (بجنوردی، ۴۳/۳). رابعاً عام قابل استناد، منحصر به این عبارت نمی‌باشد تا جایی که محدث عاملی در جلد ۱۶ وسائل، بابی را با عنوان «صححه الاقرار من البالغ العاقل و لزومه له» به روایاتی که مفاد آنها قبول مطلق اقرار است اختصاص داده است.

اشکال: مقتضای قاعده «درء الحدود» عدم تأثیر یک اقرار است.

جواب: پاسخ این اشکال نیز معلوم است چرا که با وجود اصل لفظی در مقام مثل اصل عدم تخصیص و با وجود عام شرعی، دیگر شبهه ای باقی نمی‌ماند تا حد به خاطر آن درء و رها شود.

اشکال دیگر: مقتضای احتیاط در دماء اعتبار تعدد اقرار است. جواب: اولاً این یک دلیل فقهاتی است که در طول ادله اجتهادی جای دارد و با وجود عام مذکور و دلیل خاصی که می‌آید، به اصل احتیاط نوبت نمی‌رسد. ثانیاً در برخی صور مثل زنا، موجب جلد، دماء و نفوس مطرح نمی‌باشد تا موضوع احتیاط محقق گردد.

#### ۵- دو روایت مربوط به قذف

برخی از فقهای معاصر علی‌رغم پذیرش اشکالات وارده بر ادله قول مشهور، دلالت دو خبر ذیل را بر که مربوط به باب قذف است مدعی قول مشهور تام دانسته‌اند (همان، ۱، ۱۳۱). متن این دو حدیث به قرار ذیل است:

روایت اول) صحیحه محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) «فی رجل قال لامرأته یا زاینه انا زینت بک قال علیه حد واحد لقتفه ایاها و اما قوله انا زینت بک فلا حد علیه

الا ان یشهد علی نفسه اربع شهادات بالزنا عند الامام (الکافی ۲۱۱/۷ و حرعاملی، ۴۷۷/۱۸) طریقه استدلال به این خبر بدین صورت است که عبارت (أنا زنیت) یعنی مرد با همسر خود قبل از نکاح و ازدواج با وی زنا نمود در این صورت از مصادیق زناى موجب جلد خواهد بود و یا حداقل به سبب اطلاق خیر و عدم استفصال امام، اعم از آن و زناى موجب رجم می‌باشد.

روایت دوم) مرسله صدوق: سئل الصادق (ع) فی رجل قال لامرأته یا زانیه قالت انت اذنی منی فقال علیها الحد فیما قذفت به و أما اقرارها علی نفسه فلا تجد حتی تقر بذلك عند الامام اربع مرات (شیخ صدوق، بی تا، ۷۳/۴).

طریقه استدلال به این خبر نیز بدین گونه است که ترک استفصال امام از اینکه آیا زناى موجب رجم است یا جلد دلیل است بر اینکه در تمام اقسام زنا اثبات آن محتاج به ۴ اقرار مستقل است.

#### نقد و بررسی دو خبر مزبور

ایراداتی بر دو خبر اخیر به ذهن می‌رسد که صحت استناد به آنان را مورد تردید قرار می‌دهند اشکالاتی نظیر:

۱- ارسال خبر اخیر که موجب ضعف آن است.

ممکن است خواننده در مقام رد اشکال مذکور بگوید: اگرچه اخبار منقول در کتاب من لا یحضره الفقیه «فی بادی النظر» همگی مرسلند لکن شیخ صدوق با ذکر مشیخه خود در پایان مجلدات کتاب، این نقیصه را جبران نموده است لذا ارسال روایت، اشکال واردی نیست. ما در پاسخ به این اشکال، مستشکل را به یک نکته توجه می‌دهیم و آن اینکه ذکر مشیخه، جابر ضعف و رافع ارسال آن دسته اخباری خواهد بود که شیخ صدوق حداقل نام طبقه نخست راویان آن را که خبر را بلا واسطه از معصوم استماع کرده اند در ابتدای حدیث آورده باشد، در این صورت و با فرض اتصال مشایخ روایی از صدوق تا آن راوی، خبر از ارسال خارج می‌شود. لکن آن دسته از اخباری که

صدوق در ابتدای نقل آنها نامی از راوی یا راویان آن نبرده است، ذکر مشیخه جابر ضعف و ارسال آنها نمی شود. و شاید همین نکته یعنی عدم اطمینان به صدور، موجب آن شده که شیخ صدوق در شروع این روایت عبارت «قال الصادق» را نیاورده است و به تعبیر «سئل الصادق» اکتفا نموده است. با آنکه ایشان در موارد مشابه و به رغم ارسال ظاهری برخی روایت، به صراحت تعبیر به «قال» می نمایند (بهبودی، *گزیده من لا یحضره الفقیه*، مقدمه کتاب).

۲- مورد هر دو خبر قذف است و سوال راوی نیز حکم قذفی است که قاذف همسر مقذوف است. پاسخ امام نیز در ابتداء متوجه سؤال راوی است. در ادامه امام به دفع دخل مقدر پرداخته و به سؤال احتمالی در ذهن راوی پاسخ می دهد که آیا چنین قذفی به همراه خود اعتراف به زنا نیست و در نتیجه چنین قذفی حد زنا را نیز موجب نمی شود؟ امام در پاسخ می فرماید: حد زنا عنوان مستقلی است که اثبات آن محتاج شرایط ویژه به خود است. به عبارت دیگر روایت در مقام فرق گذاری میان زنا و قذف است که از آن جمله تعدد اقرار در مورد زنا است. لذا در این مقام تنها لزوم تعدد اقرار را در زنا بطور فی الجمله بیان می کند ولی این که اثبات زنا در همه انواع آن محتاج تعدد اقرار است یا خیر، این روایت در مقام بیان آن نیست. روایت در مقام بیان حکم اقرار برای اثبات حد زنا نیست تا برای اعتبار تعدد اقرار در همه اقسام زنا به اطلاق آن تمسک شود. بلکه نهایتاً در مقام فرق گذاری میان زنا و قذف است. بر فرض تسلیم اطلاق می توان مدعی شد که اطلاق این خبر بواسطه اخبار باب رجم تقیید می خورد و مطلق حمل بر مقید می شود.

۳- بعید نیست اشتراط تعدد اقرار در کلام امام مربوط به زنای موجب رجم باشد و صرف قذف زوجین و نسبت زنا دادن به یکدیگر در قبل از نکاح دلیلی بر زنای موجب جلد نیست و محتمل است زوج قبل از نکاح با این زن (مقذوفه)، ازدواج دیگری نموده باشد و اقرار به زنا با زن مقذوفه در فرض نکاح همسر اول باشد که در



این صورت متن این خبر در راستای اخبار مذکور در باب رجم است.

۴- این خبر در تعارض با صحیحه فضیل است که تحت عنوان دلیل رأی نادر متن کامل آن را ذکر خواهیم کرد. ترجیح خبر فضیل هم با اطلاعات و عمومات ادله سازگار است و هم با اخبار رجم همخوانی دارد، لذا حمل صحیحه محمد بن مسلم بر مورد رجم مصداق جمع بین ادله خواهد بود، و شاید به همین خاطر است که جز برخی معاصرین احدی از فقها بر ادعای خود مبنی بر شرطیت تعدد اقرار به دو خبر اخیر در باب قذف استناد نکرده است.

### ب) دلیل قول نادر

گرچه از ابن ابی عقیل عمانی کتابی در دست نیست تا آراء او و مستندات آنها را از آینه آثار او به نظاره بنشینیم، همه آنانی که در آثار خود متعرض این رأی او شده‌اند صحیحه‌ای را به عنوان مستند کلامش ذکر کرده‌اند که معروف به صحیحه فضیل است (علامه حلی، *مختلف الشیعه*، ۱۶۶/۹ و شهید ثانی، *مسالك الافهام*، ۳۴۳/۱۴ و فاضل هندی، ۱۸۲/۲ و طباطبایی، ۴۳۰/۱۳) متن این خبر چنین است: «قال سمعت ابا عبد الله يقول: من اقر على نفسه عند الامام بحق من حدود الله مره واحده حراكان أو عبد أو حره كانت أو أمه فعلى الامام أن يقيم الحد عليه الذى اقربه على نفسه كائنا من كان الا الزانى المحصن فانه لا يرحمه حتى يشهد عليه اربعة شهداء فاذا شهدوا ضربه الحد مائه جلده ثم يرحمه ... سند این خبر صحیح است و احدی از اعلام در سند آن مناقشه نموده است. دلالت این خبر نیز بر مدعا واضح و صریح است و ابن ابی عقیل عمانی بر اساس صدرروایت، اقرار واحد را در اثبات مطلق زنا کافی می‌داند.

مختار نگارنده: در اینجا نگارنده شایسته می‌بیند در کنار دو نظریه مشهور و شاذ، نظریه‌ای را که خود بدان رسیده است ابراز نماید. در واقع نظریه صاحب این قلم، عموم مفاد همین صحیحه است که اقرار واحد را در اثبات اقسام زنا کافی می‌بیند و تنها اخبار باب رجم با تخصیص این صحیحه اثبات زنا را محتاج چهار اقرار مجزا می‌دانند.

به عبارت دیگر در زناى موجب رجم به واسطه وجود « دلیل خاص » و روایات بسیار، با دست کشیدن از عموم صحیحه فضیل تنها ۴ اقرار کامل می‌تواند مثبت حد رجم باشند، اما در دیگر صور زنا یک اقرار صحیح در اثبات جرم مذکور کافی خواهد بود. این نظریه هم با عمومات و اطلاقات ادله نفوذ مطلق اقرار سازگار است و هم صحیحه فضیل به عنوان « دلیل خاص » مستند این نظریه است. لذا نویسنده از آنجا که خبر فضیل را از حیث سند تام می‌بیند و در مدلول آن تعارضی با عمومات و اطلاقات ادله و نیز با اخبار باب رجم مشاهده نمی‌کند بدان تمسک جسته است.

اشکالات بر خبر فضیل: قابل ذکر است برخی از اساطین ایراداتی را به صحیحه وارد نموده‌اند که اهم آن اشکالات به قرار ذیل است:

۱- به مقتضای این خبر فرقی بین اقرار عبد و اقرار حر نیست و حال آنکه به مقتضای فقه امامیه اقرار عبد بدون تصدیق مولی بلا اثر است.

۲- این خبر ظهور دارد در این که میان محصن و غیر محصن تفاوتی نیست مضافاً به این که صحیحه تصریح می‌کند زناى محصن مستحق رجم تنها به واسطه ۴ بینه اثبات می‌شود و اقرار نمی‌تواند مثبت حد رجم شود و این مخالف مذهب اصحاب است.

به خاطر عروض این اشکالات برخی این خبر را حمل بر تقیه کرده‌اند (خویی، ۱۷۶/۱) و مؤید آن را موافقت با مشهور عامه دانسته‌اند (نجفی، ۲۸۲/۴۱) و گروهی خبر را به غیر حد زانی حمل کرده‌اند (طباطبائی، ۴۶۲/۲) و حتی طرح کلی صحیحه را اوجه وجوه و وجه متعین دانسته‌اند (همان).

جواب به اشکالات: اما این اشکالات هیچ‌کدام موجه به نظر نمی‌رسد و وجوه حمل تماماً قابل مناقشه است. باید دانست مورد خبر صرفاً کمیت اقرار موجب ثبوت حد است و امام صرفاً در مقام بیان چنین امری است. صحیحه فضیل می‌گوید هرکسی با یک اقرار تام، حد بر ذمه اش مستقر می‌شود و از این جهت فرقی بین حر و عبد، زن

ومرد و... نیست. دلالت صحیحه تنها همین مقدار است و این مقدار دلالت نه مخالفی با قواعد فقه امامیه دارد و نه در تعارض با مذهب اصحاب است، چرا که بی تردید فقیهی نیست که ادعا کند اقرار مثبت حد برای عبد مثلاً دو برابر اقرار حر است. همه متفقند بر این که از جهت عدد اقرار بین عبد و حرفرقی نیست. بله ثبوت حد بر ذمه عبد علاوه بر اقرار محتاج تصدیق مولی است لکن این مطلبی است که خارج از مورد صحیحه و بیرون از موضوع است. اما در مورد اشکال دیگر به نظر نمی رسد صحیحه دلالت اقرار را در اثبات حد، نفی کرده باشد بلکه خبر فضیل (یکی از) راههای اثبات حد برای زنای محصن، ۴ بینه ذکر کرده است. نفی دلالت اقرار بر اثبات حد در خبر فضیل مفهومی است که نگارنده از صحیحه مزبور برداشت نمی کند. شاید گفته شود از آنجا که خبر در مقام بیان طرق اثبات زنای محصن است عدم البیان دلیل بر عدم اعتبار است اما دوباره تأکید دارم خبر فضیل صرفاً در مقام ذکر « نفوذ یک اقرار » در اثبات همه حدود است و استثنای آن را زنای محصن موجب رجم می داند. با این توضیح احتمالات وارده در کلام فقها در رد خبر مزبور را صحیح نمی دانم چرا که صرف موافقت با عامه دلیل ضعف اخبار نیست بلکه موافقت و یا مخالفت با عامه از مرجحات باب تعارض اند و با توضیحات داده شده به نظر نمی رسد صحیحه مزبور تعارضی با اخبار دیگر داشته باشد، بدین خاطر حمل خبر بر تقیه نیز موجه نیست و حمل آن به غیر حد زنا مخالفت با تصریح صحیحه است. والله العالم

## نتیجه

در باب اشتراط تعدد اقرار در زنا دو نظریه سنتی در آثار مفصل فقهی امامیه قابل بازشناسی اند:

نظریه اول: که منتسب به مشهور ایشان است قائل به اشتراط چنین امری هستند و عدد لازم در این اقرار را ۴ اقرار می دانند. در مقابل ابن ابی عقیل عمانی اقرار واحد

را در اثبات جرم زنا کافی می‌داند. نگارنده با مناقشه هر دو قول و بررسی مستندات هر دو رای، به رای سومی متمایل شده است و معتقد است به جز در زناى موجب رجم، یک اقرار کافی در اثبات مطلق زنا خواهد بود لکن تنها در جرم مذکور از باب حفظ دماء رأی مشهور را مصاب به واقع می‌بیند. این نظریه علاوه بر سازگاری با روایات باب رجم و نیز عمومات و اطلاعات ادله نظیر «اقرار العقلا علی انفسهم جایز»، مستظهر به دلیل خاص نیز می‌باشد.

### منابع

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، جماعة المدرسین، بی‌تا.
- ابن براج، عبدالعزیز، *المهذب*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
- ابن رشد، محمد بن أحمد، *بدایة المجتهد ونهاية المقتصد*، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی‌جا، بی‌تا.
- ابن قدامه، عبد الله بن احمد، *المعنی*، دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع، بی‌جا، بی‌تا.
- الاردبیلی، مولی احمد، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، بی‌تا.
- بجنوردی، حسن آقا بزرگ، *القواعد الفقهیه*، قم، نشرالهادی، ۱۴۱۹ق.
- بهبودی، محمدباقر، *گزیده من لا یحضره الفقیه*،
- بیهقی، احمد بن حسین، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکه، مکتبه دارالباز، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۴م.

حراغلی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

خراسانی، مولی محمد کاظم، *کفایة الاصول*، تهران، انتشارات علمی اسلامی، ۱۳۶۳ ش.  
خوانساری سید احمد، *جامع المدارک فی شرح المختصر النافع*، طهران، الناشر مکتبۃ الصدوق، ۱۳۵۵

خوئی، سید أبو القاسم، *مبانی تکملة المنهاج*، النجف الاشرف، مطبعة الآداب، بی تا.  
سلار، حمزة بن عبد العزیز، *المراسم العلویة فی الاحکام النبویة*، قم، المعاونة الثقافیة للمجمع العالمی لاهل البيت (ع)، ۱۴۱۴ ق.

السرخسی، شمس الدین، *المبسوط*، لبنان، دار المعرفة بیروت، ۱۴۰۶ ق.  
شهید ثانی، زین الدین ابن علی العاملی، *روضۃ البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، انتشارات دادرس، ۱۴۱۰ ق.

\_\_\_\_\_، *مسالك الافهام فی شرح شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.

شیخ طوسی، محمد بن حسن، *الخلاف*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۰۷ ق.

\_\_\_\_\_، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، طهران، المکتبۃ المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.

مفید، محمد بن النعمان، *المقنعة*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۰ ق.

طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل*، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۴ ق.

علامه الحلّی، حسن بن یوسف، *إرشاد الأذهان إلی أحكام الايمان*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۱۰ ق.

- \_\_\_\_\_ ، تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه ، قم، مؤسسة الامام الصادق، ١٤٢٠ق.
- \_\_\_\_\_ ، قواعد الاحكام في معرفة الحلال والحرام ، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٢ق.
- \_\_\_\_\_ ، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٢ق.
- فاضل الآبي، زين الدين أبي علي، كشف الرموز في شرح المختصر النافع، قم، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين، بي تا.
- فاضل هندي، محمد بن الحسن، كشف اللثام، قم، مكتبه سيد المرعشي، ١٤٠٥ق.
- كاساني، ابي بكر بن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، باكستان، الناشر المكتبة الحبيبية، ١٤٠٩ق.
- كليني، محمد بن يعقوب، الاصول من الكافي، تحقيق على اكير غفاري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ق.
- گلباگانى، سيد محمد رضا، الدر المنضود في احكام الحدود ، مقرر الشيخ على الكريمي الجهرمي، دار القرآن الكريم، بي جا، ١٤١٢ق.
- محقق حلي، جعفر بن حسن، شرايع الاسلام في المسائل الحلال و الحرام، تهران، انتشارات استقلال تهران، ١٤٠٩ق.
- \_\_\_\_\_ ، المختصر النافع في فقه الامامية، طهران، منشورات، قم الدراسات الاسلاميه في مؤسسه البعثة، ١٤٠٢ق.
- المزني، اسماعيل، مختصر المزني، بيروت لبنان، دار المعرفة للطباعة والنشر، بي تا.
- نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، تهران، دار الكتب، الاسلاميه، ١٣٦٧.